

## Identifying strategies for improving the international ranking of Iranian universities: A case study of Kharazmi University

Nosrat Riahinia (PhD)<sup>1\*</sup>, Davoud Haseli (PhD)<sup>1</sup>, Elahe Akhavanhariri (PhD candidate)<sup>1</sup>

1. Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Article Type:**  
Research Paper

**Background and aim:** In today's knowledge-based economy, universities play a pivotal role in the social, economic, and scientific development of countries. One of the key ways to fulfill this role is the internationalization of universities and their effective presence in global ranking systems. The present study aims to identify strategies for improving the international ranking of Iranian universities, with a particular focus on Kharazmi University as a case study.

**Materials and methods:** This research employs a qualitative approach based on content analysis. The study population consisted of faculty members at Kharazmi University with highest levels of international engagement. Fourteen participants from different faculties were selected through purposive sampling based on theoretical saturation. Data were collected via semi-structured interviews and analyzed using qualitative content analysis.

**Findings:** The results revealed that improving the international position of Kharazmi University requires reforms at three critical levels: macro (Ministry of Science, Research and Technology), institutional (university management), and individual (faculty members). At the macro level, revising policies related to recruitment, promotion, and scientific indexing is essential. At the institutional level, weaknesses in research management, insufficient infrastructure, and limited engagement with industry were identified as major challenges. At the individual level, lack of motivation, reliance on quantitative evaluation, and insufficient attention to professional ethics were found to undermine faculty members' contribution to the university's international advancement.

**Conclusion:** The findings indicate that achieving genuine improvement in global rankings necessitates profound transformation in the governance structure of science, national policymaking, and the redefinition of roles and responsibilities of faculty members in the higher education system.

**Keywords:** International university rankings, Kharazmi University, Qualitative content analysis, Higher education policy

**Received:**  
21 June 2025

**Revised:**  
29 Nov. 2025

**Accepted:**  
7 Dec. 2025

**Pub. Online:**  
21 Dec. 2025

**Cite this article:** Riahinia N, Haseli D, Akhavanhariri E. Identifying strategies for improving the international ranking of Iranian universities: A case study of Kharazmi University. *Caspian Journal of Scientometrics*. 2025; 12(2): 70-80.



© The Author(s).


Publisher: Babol University of Medical Sciences

\*Corresponding Author: Nosrat Riahinia

Address: Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.

E-mail: riahinia@khu.ac.ir

## شناسایی راهکارهای ارتقاء رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌های ایران: مطالعه موردی دانشگاه خوارزمی

    
 نصرت ریاحی‌نیا (PhD)\*<sup>۱</sup>، داود حاصلی (PhD)<sup>۱</sup>، الهه اخوان حریری (PhD candidate)<sup>۱</sup>

۱. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

### چکیده

<p><b>سابقه و هدف:</b> در اقتصاد دانش‌محور معاصر، دانشگاه‌ها نقش کلیدی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و علمی کشورها ایفا می‌کنند. یکی از مسیرهای مهم برای ایفای این نقش، بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و حضور مؤثر در رتبه‌بندی‌های جهانی است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی راهکارهای ارتقاء رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌های ایران با تمرکز بر دانشگاه خوارزمی به‌عنوان یک مطالعه موردی است.</p> <p><b>مواد و روش‌ها:</b> این تحقیق با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا انجام شده است. جامعه پژوهش، اعضای هیئت علمی دانشگاه خوارزمی با بیشترین فعالیت‌های بین‌المللی بودند که ۱۴ نفر از دانشکده‌های مختلف دانشگاه به‌صورت هدفمند و معیار اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> یافته‌ها نشان داد که ارتقاء جایگاه بین‌المللی دانشگاه خوارزمی مستلزم اصلاحات در سه سطح کلیدی است: سطح کلان (سیاست‌گذاری وزارت عتف)، سطح نهادی (مدیریت دانشگاه)، و سطح فردی (اساتید). در سطح کلان، بازنگری در سیاست‌های جذب، ارتقاء و نمایه‌سازی علمی ضروری است. در سطح نهادی، ضعف در مدیریت پژوهش، زیرساخت‌های ناکافی، و نبود تعامل با صنعت از چالش‌های اصلی‌اند. در سطح فردی نیز، نبود انگیزش، ارزیابی کمی‌محور و کم‌توجهی به اخلاق حرفه‌ای، نقش اساتید را در ارتقاء بین‌المللی دانشگاه تضعیف کرده است.</p> <p><b>نتیجه‌گیری:</b> نتایج نشان می‌دهد که دستیابی به ارتقاء واقعی در رتبه‌بندی‌های جهانی، مستلزم تحولی عمیق در ساختار حکمرانی علمی، سیاست‌گذاری‌های ملی، و بازتعریف نقش و مسئولیت اساتید در نظام آموزش عالی کشور است.</p> <p><b>واژگان کلیدی:</b> رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌ها، دانشگاه خوارزمی، تحلیل محتوای کیفی، سیاست‌گذاری آموزش عالی</p>	<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>دریافت:</b> ۱۴۰۴/۳/۳۱</p> <p><b>ویرایش:</b> ۱۴۰۴/۹/۸</p> <p><b>پذیرش:</b> ۱۴۰۴/۹/۱۶</p> <p><b>انتشار:</b> ۱۴۰۴/۹/۳۰</p>
---	---

**استناد:** نصرت ریاحی‌نیا، داود حاصلی، الهه اخوان حریری. شناسایی راهکارهای ارتقاء رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌های ایران: مطالعه موردی دانشگاه خوارزمی. مجله علم‌سنجی کاسپین. ۱۴۰۴؛ ۱۲(۳): ۷۰-۸۰.



© The Author(s)

Publisher: Babol University of Medical Sciences

## مقدمه

در اقتصاد دانش محور معاصر، دانشگاه‌ها نقش کلیدی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و علمی کشورها ایفا می‌کنند. یکی از مسیرهای مهم برای ایفای این نقش، بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و حضور مؤثر در رتبه‌بندی‌های جهانی است؛ امری که می‌تواند به افزایش اعتبار جهانی، جذب دانشجویان و اعضای هیئت علمی برجسته، ارتقاء کیفیت پژوهش و آموزش و نیز توسعه همکاری‌های بین‌المللی منجر شود (۱). دانشگاه‌ها در این مسیر، نه تنها به عنوان مراکز تولید دانش (۲)، بلکه به‌عنوان کنشگران فعال در شبکه‌های علمی و پژوهشی جهانی شناخته می‌شوند (۳). با وجود تلاش‌های گسترده ایران در گسترش نظام آموزش عالی، افزایش تعداد دانشگاه‌ها و رشد چشمگیر نرخ ثبت‌نام دانشجویان (۴ و ۵)، هنوز دانشگاه‌های کشور در دستیابی به جایگاه‌های مطلوب در نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی با چالش‌های متعددی مواجه‌اند. از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ناکارآمدی و تشریفات اداری: با وجود گسترش فعالیت‌های پژوهشی و ایجاد مؤسسات علمی جدید، بخش قابل توجهی از دانشگاه‌های ایران با مشکلات ساختاری، بوروکراسی پیچیده و ناکارآمدی در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی روبه‌رو هستند که بر کیفیت عملکرد علمی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد (۵).
  - موانع بین‌المللی شدن: اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در تعاملات علمی فرامرزی با موانعی از جنس نهادی، سیاسی و فردی مواجه‌اند که زمینه‌ساز کاهش مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی و عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های جهانی است (۶).
  - تأثیر سیاست‌های ملی: تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که سیاست‌های ملی آموزش عالی، نتایج متفاوتی در بهبود رتبه‌بندی دانشگاه‌ها به همراه داشته‌اند. بهره‌گیری از این تجربیات می‌تواند منجر به تدوین راهبردهای کارآمد در ایران شود (۷ و ۸).
  - محدودیت‌های نظام رتبه‌بندی جهانی: شاخص‌ها و معیارهای مورد استفاده در برخی نظام‌های رتبه‌بندی جهانی، توانایی کافی در انعکاس ویژگی‌ها و دستاوردهای خاص دانشگاه‌های ایران را ندارند و در نتیجه، عملکرد واقعی این نهادها را دست‌کم می‌گیرند (۹ و ۱۰).
- از سوی دیگر، رتبه‌بندی‌های جهانی دانشگاه‌ها تأثیر مستقیمی بر سیاست‌گذاری‌های ملی، تصمیم‌گیری‌های دانشجویان، جهت‌گیری‌های تحقیقاتی و تخصیص منابع دارند (۱۱). در چنین شرایطی، بهبود جایگاه بین‌المللی دانشگاه‌ها مستلزم شناخت دقیق شاخص‌های مؤثر بر رتبه‌بندی، تخصیص هدفمند منابع، اجرای اصلاحات ساختاری و ارتقاء کیفیت آموزش و پژوهش است. هدف بسیاری از دانشگاه‌ها از ارتقاء رتبه جهانی، جذب استعدادهای برتر، افزایش بودجه، تقویت شهرت علمی و گسترش روابط بین‌المللی است (۱۲).
- در راستای این اهداف، اجرای برنامه‌هایی همچون به‌کارگیری نوآوری در آموزش، توسعه پژوهش‌های بنیادی و کاربردی، اصلاح ساختارهای مدیریتی، تقویت روابط بین‌المللی و جذب اعضای هیئت علمی توانمند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین درک عمیق از نقش مدیریت دانش (۱۳) و ظرفیت آن در خلق نوآوری (۱۴) می‌تواند دانشگاه‌ها را در مسیر رقابت‌پذیری جهانی یاری کند.
- به‌منظور تدوین راهبردهای علمی و عملی برای ارتقاء جایگاه بین‌المللی دانشگاه‌ها، تحلیل وضعیت موجود، شناسایی عوامل مؤثر بر رتبه‌بندی و انطباق آن با استانداردهای معتبر جهانی ضروری است (۱۵). در این راستا، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اعضای هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، به دنبال شناسایی راهکارهایی است که بتوانند به‌صورت واقع‌گرایانه، زمینه ارتقاء جایگاه بین‌المللی این دانشگاه را فراهم آورند.

دانشگاه‌ها در دنیای معاصر تنها نهادهایی برای آموزش و پژوهش نیستند، بلکه به‌عنوان بازیگران فعال در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فناورانه ایفای نقش می‌کنند. در این راستا، دانشگاه‌های نسل چهارم به‌عنوان نهادهایی کارآفرین و توسعه‌گرا، به دنبال ارتقاء نقش خود در جهت کنش‌گرایی و توسعه آینده‌نگر هستند (۱۶). از آنجا که رسالت اصلی دانشگاه‌ها، تولید دانش و تقویت بنیه پژوهشی کشور است، جایگاه آن‌ها در نظام رتبه‌بندی جهانی به‌طور مستقیم با میزان موفقیت در تحقق این رسالت مرتبط است. دانشگاه‌هایی که در این مسیر موفق‌تر عمل کنند، از موقعیت بالاتری در سطح ملی و بین‌المللی برخوردار خواهند شد.

با وجود تلاش‌های انجام شده، دانشگاه‌های ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی با چالش‌های متعددی مواجه هستند. از این رو، شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای جایگاه بین‌المللی دانشگاه‌ها، به ویژه دانشگاه خوارزمی به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های قدیمی کشور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با وجود گسترش آموزش عالی در ایران، همچنان شکاف قابل توجهی در ادبیات موجود پیرامون شناسایی راهکارهای بومی برای ارتقاء جایگاه دانشگاه‌ها در رتبه‌بندی‌های جهانی مشاهده می‌شود. بسیاری از مطالعات پیشین بیشتر بر شاخص‌های کلی تمرکز داشته‌اند و کمتر به بررسی عمیق تجربیات مستقیم اعضای هیئت علمی و ذی‌نفعان پرداخته‌اند. این امر موجب شده است که راهکارهای ارائه‌شده غالباً کلی و غیر کاربردی باشند. از سوی دیگر، سیاست‌های کلان کشور بر ضرورت بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و حضور مؤثر دانشگاه‌ها در نظام‌های معتبر رتبه‌بندی جهانی تأکید دارند. در چنین شرایطی، دستیابی به راهکارهایی که از دل تجربه‌های واقعی یک دانشگاه ایرانی استخراج شده باشند، می‌تواند مسیر تصمیم‌گیری‌های علمی و مدیریتی را روشن‌تر سازد. پژوهش حاضر با تمرکز بر دانشگاه خوارزمی، تلاش دارد زمینه‌ای فراهم آورد تا مدیران و سیاست‌گذاران آموزش عالی بتوانند بر اساس شواهد و داده‌های بومی، برنامه‌های مؤثرتری برای ارتقاء جایگاه بین‌المللی دانشگاه‌ها تدوین کنند.

مرور پیشینه پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد که عوامل متعددی در عملکرد علمی دانشگاه‌ها و ارتقای رتبه‌بندی آن‌ها تأثیرگذارند. این عوامل را می‌توان در چهار دسته‌ی کلی طبقه‌بندی کرد:

۱. چالش‌ها و موانع ساختاری در نظام آموزش عالی ایران: پژوهش‌های متعددی به تحلیل موانع ساختاری و مدیریتی در مسیر تولید علم و ارتقاء جایگاه دانشگاه‌ها پرداخته‌اند. یک مطالعه به کمبود معیارهای ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی، سرمایه‌گذاری ناکافی بخش خصوصی و عدم تخصیص بودجه مناسب اشاره می‌کند (۱۷). مطالعه دیگری نیز به ضعف مدیریت علمی، مقررات اداری دست‌وپاگیر، و نبود ارتباط مؤثر با صنعت اشاره کرده است (۱۸). در همین راستا، پژوهشی دیگری موانع تولید علم را در چهار دسته فرهنگی-اجتماعی، ارتباطی، آموزشی و فردی دسته‌بندی کرده‌اند که همگی به‌طور مستقیم بر توان پژوهشی دانشگاه‌ها اثرگذارند (۱۹).

۲. راهبردهای بهبود عملکرد دانشگاه‌ها در رتبه‌بندی جهانی: یکی از مهم‌ترین راهبردهای مورد تأکید در مطالعات اخیر، همسویی با شاخص‌های رتبه‌بندی جهانی است. در یک مطالعه کیفی، چالش‌ها و راهکارهای ارتقای کیفیت آموزش پزشکی را شناسایی کردند که شامل تقویت آموزش، توسعه پژوهش، همکاری‌های بین‌بخشی، ارتقای منابع انسانی، و حمایت مالی است (۲۰). همچنین، پژوهشی دیگر به ضرورت توجه به عدالت در سطح‌بندی، ماهیت رشته‌ها، و رتبه‌بندی موضوعی تأکید کرده و پیشنهاد داده است که مقایسه‌های هم‌تراز و بازنگری در شاخص‌ها به بهبود نظام رتبه‌بندی کمک می‌کند (۲۱).

۳. نقش عوامل بین‌المللی و ارتباطات علمی در رتبه‌بندی: پژوهش‌های بین‌المللی نیز بر اهمیت تعاملات جهانی و شاخص‌های کیفی در رتبه‌بندی دانشگاه‌ها تأکید دارند. مطالعه‌ای بر روی پژوهشگران دانشگاه‌های کانادا نشان داد که بودجه، ویژگی‌های فردی و ساختار تیم پژوهشی بر تولید دانش مؤثرند (۲۲). پژوهشی در دو دانشگاه اسپانیایی تأثیر همکاری دانشگاه و صنعت را بر تولیدات علمی را نشان داد (۲۳). پژوهشی با کار بر روی ماهیت و کارکرد رتبه‌بندی دانشگاه‌ها نیز بیان کرده که رتبه‌بندی‌ها باعث شکل‌گیری رقابت و اقتصاد عملکردی در دانشگاه‌ها شده‌اند و سلسله‌مراتب ارزشی در نظام آموزش عالی پدید آورده‌اند (۲۴). پژوهشی بر ضرورت همسویی شاخص‌های رتبه‌بندی با نیازهای آموزشی ملی و حضور دیجیتال دانشگاه‌ها تأکید کرده‌اند، در حالی که پژوهشی دیگر با تأکید بر نقش شهرت علمی، نسبت کارکنان/دانشجو، و کیفیت نشریات، پیشنهاد کرده‌اند که ادغام دانشگاه‌ها می‌تواند راهکاری عملی برای ارتقای رتبه جهانی باشد (۲۵).

۴. متغیرهای سازمانی و هنجاری مؤثر بر تولید علم: پژوهشی در دانشگاه شهید چمران اهواز در بررسی عوامل سازمانی و هنجاری مؤثر بر تولید علم، نشان داد که ارتباطات علمی، فرهنگ سازمانی، و جو گروه‌های آموزشی، از متغیرهای مهم در ارتقای عملکرد پژوهشی اعضای هیأت علمی هستند. این یافته‌ها تأکید دارند که ارتقاء رتبه‌بندی نیازمند تقویت محیط علمی درون دانشگاه‌ها و توجه به عوامل انسانی، آموزشی و اجتماعی است (۲۶). مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بهبود رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌های ایران مستلزم اتخاذ رویکردی جامع و چندوجهی است. تاکنون پژوهشی که تمامی ابعاد مؤثر بر ارتقاء رتبه‌بندی را به صورت نظام‌مند و مدل‌محور بررسی کرده باشد، وجود نداشته است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌ها و ارائه راهکارهایی عملی برای ارتقای جایگاه بین‌المللی دانشگاه خوارزمی، تلاشی در جهت پر کردن این خلأ علمی و اجرایی به شمار می‌رود.

## مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، تحلیل محتوای کیفی است. هدف از به‌کارگیری روش کیفی، دستیابی به درک عمیق از دیدگاه‌ها و تجربیات اعضای هیأت علمی دانشگاه خوارزمی در زمینه راهکارهای ارتقاء رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌هاست. روش تحلیل محتوای کیفی با تأکید بر استنتاج از مضامین پنهان در گفتار مشارکت‌کنندگان به کار گرفته شده است تا بتواند چارچوبی مفهومی برای ارتقاء جایگاه بین‌المللی دانشگاه‌ها فراهم سازد.

جامعه پژوهش شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه خوارزمی بود که واجد شرایط زیر بودند: (۱) سابقه مدیریت در سطح دانشگاه؛ (۲) فعالیت‌های بین‌المللی به‌ویژه انتشار آثار علمی در پایگاه Web of Science؛ و (۳) تخصص و صاحب‌نظر در حوزه آموزش عالی. این افراد به‌عنوان کنشگران کلیدی در فرایند ارتقاء جایگاه علمی دانشگاه انتخاب شدند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و با معیار بالا انجام شد. همچنین تلاش شد با انتخاب حداقل یک و حداکثر دو نفر از هر دانشکده (با توجه به تعداد اعضای هیأت علمی آن دانشکده)، تنوع حداکثری در تخصص و دیدگاه‌ها حاصل شود. با شرکت ۱۴ عضو هیأت علمی در مصاحبه‌ها اشباع نظری حاصل شد. پس از انجام مصاحبه با دوازدهمین نفر، تیم پژوهش به نقطه‌ای رسید که داده‌های جدید، مقوله‌ها یا مضمون‌های تازه‌ای را آشکار نمی‌کردند و صرفاً بر یافته‌های پیشین تأکید داشتند. به‌منظور اطمینان بیشتر، مصاحبه‌های سیزدهم و چهاردهم نیز انجام شد که نتایج آن‌ها همچنان تأییدکننده رسیدن به اشباع نظری بود. بنابراین، ادامه مصاحبه‌ها فراتر از این تعداد، از نظر علمی ضرورتی نداشت و تنها به تکرار اطلاعات منجر می‌شد.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق بود. برای طراحی سؤالات مصاحبه، ابتدا اسناد و منابع مرتبط با رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و شاخص‌های اثرگذار بر آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس آن، پیش‌نویس اولیه سؤالات تدوین شد. پس از انجام دو مصاحبه مقدماتی، بازنگری در

سؤالات صورت گرفت و نسخه نهایی پرسش‌ها تثبیت شد. پیش از انجام هر مصاحبه، اطلاعات لازم شامل هدف پژوهش، محرمانگی اطلاعات، و فرایند مصاحبه به شرکت‌کنندگان ارائه شد و رضایت‌نامه آگاهانه از ایشان اخذ شد. مصاحبه‌ها به‌طور میانگین ۴۳ دقیقه به طول انجامید و همه گفت‌وگوها با اجازه مشارکت‌کنندگان ضبط، پیاده‌سازی و مستندسازی شدند.

داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند. در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها به‌صورت خطبه‌خط مطالعه شد تا مفاهیم و عبارات کلیدی شناسایی شود. سپس با تکرار خوانش و مقایسه مفاهیم مشابه، کدهای اولیه استخراج شد. در ادامه، کدهای مشابه در قالب زیرمقوله‌ها دسته‌بندی شدند و با ترکیب آن‌ها، مقوله‌های اصلی به دست آمد. این فرایند تحلیلی به‌صورت چرخه‌ای و با بازگشت‌های مکرر به متن مصاحبه‌ها انجام شد تا از دقت و جامعیت تحلیل اطمینان حاصل شود.

برای اطمینان از اعتبار تحلیل‌ها، از چندین راهکار استفاده شد. نخست، بخشی از کدها و مقوله‌های استخراج شده برای بررسی و تأیید به مشارکت‌کنندگان بازگردانده شد تا از تطابق برداشت‌های پژوهشگر با دیدگاه واقعی مصاحبه‌شوندگان اطمینان حاصل شود. همچنین، از مرور و تأیید یافته‌ها توسط همتایان پژوهشی بهره گرفته شد. برای افزایش قابلیت اعتماد، فرایند کدگذاری در دو بازه زمانی مختلف توسط پژوهشگر انجام و نتایج حاصل مقایسه شد. همچنین، بخشی از مصاحبه‌ها به‌صورت مستقل توسط پژوهشگر دوم کدگذاری و میزان توافق بررسی شد و میزان آن ۸۹ درصد بود. مستندسازی دقیق مراحل کدگذاری، تحلیل، و دسته‌بندی داده‌ها نیز انجام شد تا امکان بازبینی و ارزیابی توسط سایر پژوهشگران فراهم شود.

## یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد ارتقای جایگاه بین‌المللی دانشگاه خوارزمی نیازمند رویکردی چندسطحی است که از سیاست‌های کلان تا کنش فردی محققان را دربر می‌گیرد. در سطح کلان، راهبردهای دولتی نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به بهره‌وری علمی دارند؛ در سطح نهادی، دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی به‌عنوان بازیگران کلیدی تولید دانش باید با مدیریت چابک و زیرساخت‌های کارآمد، زمینه رشد علمی را فراهم کنند؛ و در سطح فردی، بیشتر عوامل ماهیت شخصی دارند و به تک‌تک اعضای هیئت علمی مربوط می‌شوند، از جمله تعهد به اخلاق علمی و توانایی شبکه‌سازی بین‌المللی (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها

مقوله‌های اصلی (سطوح)	ذینفعان	مقوله‌ها (راهکارها)
سطح کلان	وزارت عتف	<ul style="list-style-type: none"> <li>بازنگری در سیاست‌های برنامه‌ریزی و ارتقاء علمی</li> <li>بازنگری در سیاست‌های جذب هیئت علمی و دانشجو</li> <li>تدوین سیاست‌های نمایه‌سازی و بین‌المللی‌سازی مجلات دانشگاهی</li> </ul>
سطح نهادی	مدیریت دانشگاه	<ul style="list-style-type: none"> <li>چابک‌سازی ساختارهای مدیریتی</li> <li>افزایش مشوق‌های انگیزشی و مالی</li> <li>تسهیل در فرصت‌های بین‌المللی</li> <li>تقویت زیرساخت‌ها و منابع پشتیبان علمی</li> <li>تقویت ارتباط با صنعت و مأموریت‌گرایی</li> </ul>
سطح فردی	اعضای هیئت علمی	<ul style="list-style-type: none"> <li>تعهد به اخلاق علمی</li> <li>شبکه‌سازی بین‌المللی و تقویت کار تیمی پژوهشی</li> </ul>

### ۱. رفع نارسایی در ساختار و سیاست‌های کلان آموزش عالی

یکی از مهم‌ترین یافته‌ها، وجود موانع ساختاری و سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد در سطح کلان است. نبود استقلال دانشگاه‌ها در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی‌های طولانی و انعطاف‌ناپذیر وزارت عتف، و قوانین غیرشفاف در جذب هیئت علمی و دانشجو، از جمله عواملی هستند که به کندی رشد علمی دانشگاه‌ها منجر شده‌اند. جملاتی از اعضای هیئت علمی که بیانگر این موضوع هستند: «در دنیا هر پنج سال رشته‌ها بازبینی می‌شوند اما در کشور ما این فرایند بسیار زمان‌بر و پیچیده است» (P2)؛ «ما استنادی داریم که سال‌ها مقاله ISI نمی‌نویسند، اما در ارتقاء با اساتید فعال برابرند» (P4)؛ و «سیاست‌های فعلی ارتقاء بیشتر به حجم مقالات نگاه می‌کنند تا کیفیت یا نوآوری در پژوهش. تنوع در خروجی پژوهش اصلاً دیده نمی‌شود» (P9).

### ۲. بازنگری در سیاست‌های جذب هیئت علمی و دانشجو

فرآیند جذب اعضای هیئت علمی و دانشجویان در دانشگاه‌ها با چالش‌های مهمی مواجه است که از یک‌سو به رابطه‌محوری و نبود معیارهای شفاف و مأموریت‌محور در جذب اساتید مربوط می‌شود، و از سوی دیگر، به سیاست‌های ناسالم پذیرش دانشجو از طریق سهمیه‌ها و سیستم کنکور بازمی‌گردد.



این سیاست‌ها موجب کاهش کیفیت علمی و آسیب به ارتقاء رتبه دانشگاه‌ها شده است. اعضای هیئت علمی بیان می‌کنند: «جذب افراد ناتوان براساس روابط، معضلی است که در بعضی موارد کیفیت هیئت علمی را تضعیف کرده است» (P3)؛ «ما در جذب استاد خطمشی علمی نداریم. باید فرهنگ‌سازی علمی از روز اول استخدام آغاز شود» (P7)؛ و «در جذب دانشجو، سهمیه‌ها و معیارهای غیراستاندارد گاهی باعث افت کیفیت ورودی‌ها می‌شود. این بر کل نظام آموزشی تأثیر منفی دارد» (P10).

### ۳. تدوین سیاست‌های نمایه‌سازی و بین‌المللی‌سازی مجلات علمی

یکی از نقاط ضعف نظام آموزش عالی ایران، ناتوانی در بین‌المللی‌سازی نشریات علمی است. فقدان سیاست‌های حمایتی، کمبود نیروی انسانی متخصص در نشر علمی، و نبود حرکت به سمت دسترسی آزاد از جمله موانع نمایه‌سازی مجلات در پایگاه‌هایی مانند اسکاپوس هستند. اساتید بیان می‌کنند: «مجلات علمی دانشگاه از نظر ساختار حرفه‌ای بسیار ضعیف‌اند. حتی کارشناس نشریه نداریم» (P2)؛ «تعداد نشریاتی که به اسکاپوس می‌رسند خیلی کم است. باید وزارت عتف سیاستی برای حمایت ساختاری از مجلات داشته باشد» (P4)؛ و «مجلات اگر به سمت دسترسی آزاد بروند، خوانایی‌شان بالا می‌رود. اما برای این کار نیاز به حمایت و بودجه است» (P11).

### ۴. بازنگری مدیریت دانشگاهی و سیاست‌گذاری پژوهشی

در سطح دانشگاه، نبود نگرش راهبردی در مدیریت پژوهش، بی‌توجهی به ارتقای علمی اساتید، ضعف در تخصیص گرنت‌های پژوهشی، و عدم بهره‌گیری از ظرفیت اساتید باتجربه یا بازنشسته، از موانع کلیدی ارتقاء علمی شناخته شد. این مدیریت ناکارآمد سبب ایجاد فاصله بین ظرفیت علمی اعضای هیئت علمی و دستاوردهای بین‌المللی شده است. به گفته اساتید: «مدیریت دانشگاه بیشتر بر شاخص‌های کمی تمرکز دارد و دغدغه ارتقای کیفی ندارد» (P9)؛ «هیچ‌گونه استراتژی مشخصی برای جهت‌دهی به پژوهش‌ها وجود ندارد، گروه‌ها هر کدام راه خودشان را می‌روند» (P12)؛ و «مدیریت دانشگاه خوب است اما پرداخت گرنت‌ها باید سریع‌تر و منظم‌تر باشد؛ همین الان هم دچار تأخیر هستیم» (P13).

### ۵. تقویت نظام انگیزشی و حمایت‌های مالی

مصاحبه‌شوندگان بارها به نبود نظام انگیزشی مؤثر برای اعضای هیئت علمی اشاره کردند. محدودیت در پرداخت گرنت، پیچیدگی‌های بوروکراتیک برای شرکت در کنفرانس‌ها و فرصت‌های مطالعاتی، و نبود تفاوت محسوس در حقوق و مزایا بین اساتید فعال و غیرفعال، انگیزه انتشار مقاله در مجلات معتبر را کاهش داده است. اساتید بیان می‌کنند: «دانشگاه باید با گرنت، ارتقاء و تسهیلات مناسب انگیزه‌ها را ایجاد کند؛ استاد نباید از جیب خودش برای مقاله هزینه کند» (P1)؛ «وقتی بین کسی که مقاله ISI می‌نویسد و کسی که نمی‌نویسد، هیچ تفاوتی نیست، چرا باید انگیزه داشته باشیم؟» (P3)؛ «دانشگاه باید انگیزه‌هایی ایجاد کند، مثل گرنت، فرصت مطالعاتی، ارتقاء سریع‌تر... در غیر این صورت تولید مقاله، شخصی می‌شود» (P5)؛ و «شرکت در فرصت مطالعاتی و کنفرانس‌ها خیلی پیچیده و محدود است، باید خودت هزینه‌اش را بدهی و بعد شاید برگردد» (P8).

### ۶. تقویت تعاملات علمی بین‌المللی

فقدان سیاست مشخص برای تسهیل شبکه‌سازی علمی، همکاری‌های بین‌المللی و تسلط زبانی، باعث شده تا بسیاری از ظرفیت‌های دانشگاه در عرصه بین‌المللی بالفعل نشوند. اساتید تأکید داشتند که مشارکت در کنفرانس‌ها، فرصت‌های مطالعاتی و تعامل با پژوهشگران خارجی، باید جزء برنامه‌های اصلی ارتقاء علمی قرار گیرد. به گفته اعضای هیئت علمی: «اساتید می‌توانند با همکاری تیمی و استفاده از توانمندی‌های مکمل، بر مشکلات زبانی و ساختاری فائق آیند» (P6)؛ «حضور در همایش‌های بین‌المللی و دعوت همکاران خارجی، خیلی در شبکه‌سازی مؤثر است، ولی ما زیرساختش را نداریم» (P13)؛ «به استاد پول نمی‌دهند که قبل از سفر علمی خرج کند؛ باید از هفت‌خوان بگذرد تا هزینه‌اش را بگیرد» (P14).

### ۷. تقویت زیرساخت‌ها و منابع پشتیبان علمی

کتابخانه، نشریات دانشگاهی و زیرساخت‌های فناورانه، به‌درستی نقش خود را در پشتیبانی از فعالیت‌های علمی ایفا نمی‌کنند. عدم دسترسی به ابزارهای نوین جست‌وجوی علمی، ضعف در انتشار بین‌المللی مجلات دانشگاه و کمبود تسهیلات پژوهشی، از جمله چالش‌های رایج مطرح‌شده بود. در این راستا اساتید بیان می‌دارند: «کتابخانه به‌عنوان تسهیل‌گر پژوهش شناخته نمی‌شود. دانشجوی ما هنوز بلد نیست حرفه‌ای جستجو کند» (P4)؛ «محدودیت‌های زمانی، قطعی برق و تعطیلی‌های دانشگاه باعث شده اساتید نتوانند از فضاهای دانشگاه به‌خوبی استفاده کنند» (P6)؛ و «ما هیچ ابزار هوش مصنوعی یا خدمات فنی برای کمک به پژوهش نداریم، حتی یک راهنمای ساده هم نیست» (P9).

### ۸. تقویت ارتباط با صنعت و تدوین مأموریت‌گرایی

همگی مصاحبه‌شوندگان بر این نکته تأکید داشتند که دانشگاه خوارزمی در تعامل با صنعت ضعیف عمل کرده و واحدهایی مانند مرکز رشد و دفتر دانش‌آموختگان فعال نیستند. در نتیجه، ظرفیت‌های پژوهشی دانشگاه در پاسخگویی به نیازهای جامعه بلااستفاده مانده‌اند. به گفته اساتید: «مدیران پژوهشی باید دائم با صنعت در ارتباط باشند تا بتوانند پروژه‌ها و نیازهای صنعتی را جذب کنند» (P3)؛ «مرکز رشد دانشگاه و بخش دانش‌آموختگان باید فعال‌تر شود، فقط روی کاغذ هستند الان» (P6)؛ و «چه ایرادی دارد گروه ما فقط ده سال درباره آسیب‌های نوظهور در جامعه تحقیق کند؟ الان که پراکنده کار می‌کنیم» (P7).

## ۹. تنوع و نوآوری در بروندهای علمی

برخی مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که باید دامنه خروجی‌های علمی فراتر از مقاله باشد و شامل کتاب، ثبت اختراع، طرح پژوهشی و محصولات فناورانه نیز شود. این تنوع می‌تواند ضمن ارتقاء کیفیت علمی، حضور دانشگاه در حوزه‌های نوآورانه و بین‌رشته‌ای را افزایش دهد. اساتید ذکر می‌کنند: «بروندا پژوهشی الزاماً مقاله نیست؛ ما باید به سمت ثبت اختراع، کتاب مشترک و پروژه‌های صنعتی حرکت کنیم» (P11)؛ «رشته‌های بین‌رشته‌ای وارد دانشگاه شده‌اند، اما هنوز ساختار سنتی خروجی‌ها (فقط مقاله) غالب است» (P12)؛ و «موضوع و روش مقاله از زبان مهم‌تر است، باید رویکرد ما در ارزیابی‌ها هم تغییر کند» (P14).

## ۱۰. نقش کلیدی اعضای هیئت علمی و اخلاق حرفه‌ای

در کنار چالش‌های ساختاری، عملکرد و نگرش اعضای هیئت علمی نیز در ارتقاء جایگاه بین‌المللی مؤثر است. تعهد به اخلاق علمی، شناخت جایگاه حرفه‌ای استاد، و مشارکت در تولید دانش تیمی، عواملی هستند که می‌توانند دانشگاه را در مسیر پیشرفت قرار دهند. در این راستا اساتید بیان می‌کنند: «معلم تاجر نیست. اگر کار آموزش و پژوهش را به شکل حرفه‌ای و اخلاق‌مدار دنبال نکنیم، دانشگاه سقوط می‌کند» (P1)؛ «شناخت جایگاه معلمی، اخلاق حرفه‌ای، و توجه به رشد دانشجو مهم‌تر از تولید مقاله کمی است» (P2)؛ و «همکاری بین اساتید با سابقه و جوان خیلی مهم است، ولی کمتر به آن پرداخته می‌شود. انتقال تجربه نادیده گرفته شده است» (P5).

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی راهکارهای ارتقاء رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌های ایران، با تمرکز بر دانشگاه خوارزمی به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های با سابقه کشور، انجام شد. برای دستیابی به این هدف، با بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل محتوا، دیدگاه‌ها و تجربیات اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، راهکارهای ارتقاء در سه سطح کلان (سیاست‌گذاری وزارت عتف)، نهادی (مدیریت دانشگاه) و فردی (اساتید) استخراج شد تا چارچوبی عملی برای بهبود جایگاه بین‌المللی دانشگاه ارائه شود.

ساختار آموزش عالی ایران دچار تمرکزگرایی مزمن، عدم انعطاف‌پذیری و رویکردی محافظه‌کارانه در سیاست‌گذاری است. این وضعیت، نوآوری، تحرک علمی و انطباق با تغییرات سریع نظام‌های رتبه‌بندی جهانی را دشوار ساخته است. برنامه‌ریزی‌های صلبی و نبود اختیار در دانشگاه‌ها، سبب شده که حتی بازرنگی در رشته‌ها و برنامه‌های درسی به‌کندی انجام شود. فقدان استقلال دانشگاهی (۱۸) نه تنها مانعی برای تصمیم‌گیری‌های سریع و بومی است، بلکه باعث وابستگی غیرسازنده به نهادهای بالادستی شده است. در مقایسه با تجارب بین‌المللی، نبود چارچوب‌های منعطف و تمرکز بر کنترل‌های بروکراتیک، بزرگ‌ترین مانع در پیشرفت دانشگاه‌هاست. برای برون‌رفت از این وضعیت، تفویض اختیار ساختاری، طراحی مدل‌های حکمرانی مبتنی بر خودگردانی دانشگاه‌ها و بازبینی در قوانین تمرکززدای ضروری به نظر می‌رسد.

فرآیند جذب اعضای هیئت علمی و دانشجویان، به دلیل فقدان نظام‌های شفاف و مأموریت‌محور، با بی‌اعتمادی و افت کیفیت مواجه شده است. معیارهای غیرعلمی در استخدام هیئت علمی، از جمله رابطه‌محوری و نبود ارزیابی صلاحیت‌های حرفه‌ای، سبب شده تا دانشگاه‌ها نتوانند نیروهای توانمند را جذب و حفظ کنند. در حوزه پذیرش دانشجو نیز تداوم سیاست‌های سهمیه‌ای و کنکورمحور، ورودی‌های غیرهمسو با نیازهای دانشگاه را افزایش داده است. این چالش‌ها نه تنها بازده آموزشی را کاهش داده‌اند، بلکه تصویر علمی دانشگاه را در رتبه‌بندی‌های جهانی مخدوش کرده‌اند. اصلاح این وضعیت، مستلزم بازرنگی اساسی در سیاست‌های جذب، تعریف شاخص‌های صلاحیت علمی و فرهنگی، و ایجاد نظام‌های مبتنی بر شایسته‌گزینی (۱۹) است. نشریات علمی دانشگاهی در ایران به دلیل نداشتن نیروی انسانی متخصص، ساختار حرفه‌ای و سیاست‌های هدفمند، از حضور مؤثر در پایگاه‌های استنادی بین‌المللی بازمانده‌اند. ضعف در بین‌المللی‌سازی مجلات، استفاده نکردن از مدل‌های موفق نشر، و بی‌توجهی به دسترسی آزاد، باعث شده تا تولیدات علمی دانشگاه‌ها در سطح جهانی دیده نشوند. با توجه به جایگاه مهم نمایه‌سازی در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی، این عقب‌ماندگی تأثیر مستقیم بر جایگاه دانشگاه‌ها دارد. در شرایطی که دانشگاه‌های جهانی از نشریات به‌عنوان ابزار دیپلماسی علمی بهره می‌گیرند، بی‌توجهی به این حوزه نوعی غفلت راهبردی

تلقی می‌شود. حمایت ساختاری از مجلات، توسعه پلتفرم‌های نشر دیجیتال و سرمایه‌گذاری بر دسترسی آزاد، از مهم‌ترین اقداماتی است که در این زمینه باید در دستور کار قرار گیرد. این یافته با پژوهش‌هایی که بر ضرورت حضور دیجیتال و کیفیت نشر علمی (۲۵) تأکید دارند، همخوانی دارد. مدیریت دانشگاهی در ایران، به‌ویژه در حوزه سیاست‌گذاری پژوهشی، غالباً فاقد چشم‌انداز راهبردی و هم‌راستا با شاخص‌های جهانی است. بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در سطح دانشگاه، کوتاه‌مدت، کمی‌گرا و بدون مشارکت اعضای هیئت علمی صورت می‌گیرد. نبود نقشه پژوهشی، ضعف در سیاست‌های گزینشی، و استفاده نکردن از تجربه اعضای هیئت علمی با سابقه، همگی به‌نوعی فرصت‌سوزی علمی منجر شده‌اند. در این شرایط، واحدهای پژوهشی بیشتر به گزارش‌دهی آماری و نه به هدایت راهبردی مشغول‌اند. این وضعیت ضمن کاهش انگیزه اعضای هیئت علمی، سبب پراکندگی و بی‌جهتی در تولید علم شده است. برای اصلاح این روند، دانشگاه باید از الگوی مدیریت مشارکتی و راهبردی استفاده کند، اولویت‌های پژوهشی خود را با مأموریت‌های ملی و منطقه‌ای همسو نماید و نظام گزینشی را هوشمندانه و رقابتی بازطراحی کند. این یافته‌ها بر جو سازمانی و راهبردی علمی (۲۶) تأکید دارند. نظام انگیزشی فعلی در دانشگاه‌ها قادر به ایجاد تمایز مؤثر بین اساتید فعال و غیرفعال نیست و در نتیجه، فضای رقابتی و انگیزشی تضعیف شده است. محدودیت در منابع مالی، تأخیر در پرداخت گرنت‌ها، و نبود ساختار تشویقی برای فعالیت‌های کیفی، باعث شده تولید علم بیشتر به تلاش فردی و نه نهادی تبدیل شود. در این ساختار، پژوهشگر انگیزه‌ای برای انتشار مقاله در مجلات معتبر یا مشارکت در پروژه‌های بزرگ ندارد، چرا که پاداشی متناسب با تلاش دریافت نمی‌کند. این نابرابری باعث فرسایش تدریجی بدنه علمی و کاهش نوآوری می‌شود. برای برون‌رفت از این وضعیت، باید نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد، برنامه‌های تشویقی برای نوآوری، و حمایت مالی هدفمند از پژوهش‌های بین‌المللی طراحی و اجرا شود. این یافته‌ها بر اقتصاد عملکردی دانشگاه‌ها در نظام رتبه‌بندی (۲۴) تأکید دارند.

تعامل علمی بین‌المللی، یکی از ارکان کلیدی ارتقاء رتبه دانشگاه‌هاست، اما در ساختار فعلی دانشگاه‌های ایران جایگاه درخوری ندارد. نبود تسهیلات برای سفرهای علمی، ضعف مهارت‌های ارتباطی و زبانی، و فقدان نهادهای تسهیل‌گر در سطح دانشگاه، موجب شده ظرفیت‌های همکاری بین‌المللی بلااستفاده باقی بماند. همکاری‌های علمی جهانی نه تنها کیفیت پژوهش‌ها را افزایش می‌دهند، بلکه در نمایه‌سازی و استناد نیز اثرگذارند. با وجود آگاهی عمومی از این اهمیت، نبود حمایت مالی و ساختارهای اداری سخت‌گیرانه، مانع از نهادینه‌سازی این همکاری‌ها شده است. طراحی پلتفرم‌های همکاری بین‌المللی، تسهیل فرصت‌های مطالعاتی و ایجاد سیاست‌های تشویقی برای مشارکت در پروژه‌های چندملیتی از مهم‌ترین نیازهای دانشگاه‌ها در این حوزه است. این حوزه بر نقش تعاملات جهانی و شهرت علمی در ارتقاء رتبه دانشگاه‌ها (۲۲ و ۲۵) صحنه می‌گذارد.

منابع پشتیبان علمی همچون کتابخانه، سامانه‌های دیجیتال، و خدمات پشتیبانی پژوهشی در بسیاری از دانشگاه‌های ایران از نقش واقعی خود فاصله گرفته‌اند. عدم دسترسی مناسب به پایگاه‌های داده، ضعف در خدمات جستجوی علمی، و نبود ابزارهای نوین چون هوش مصنوعی و نرم‌افزارهای کمکی، پژوهشگران را در مسیر تولید علم با دشواری مواجه کرده است. این وضعیت با قطع مکرر زیرساخت‌ها، تعطیلی‌های ناگهانی و کم‌توجهی به زیرساخت‌های فناورانه تشدید می‌شود. درحالی‌که دانشگاه‌های برتر جهان بر توسعه زیرساخت پژوهشی تمرکز دارند، در ایران توجه به این حوزه حداقلی است. برای تغییر این روند، لازم است کتابخانه‌ها به مراکز نوآوری علمی تبدیل شوند، خدمات دیجیتال توسعه یابند، و بودجه‌ای پایدار برای نگهداری و ارتقای زیرساخت‌ها اختصاص داده شود. در پیشینه‌ها (۱۷) هم ضعف منابع پشتیبان تأکید دارد.

یکی از مهم‌ترین خلأهای موجود در دانشگاه‌ها، ضعف شدید در ارتباط نظام‌مند با صنعت و جامعه است. این گسست، پژوهش‌ها را از نیازهای واقعی کشور جدا کرده و مأموریت‌گرایی را تضعیف نموده است. مراکز پژوهشی چون دفتر ارتباط با صنعت یا مراکز رشد، اغلب کارکرد صوری دارند و نتوانسته‌اند تعامل مؤثری میان دانشگاه و بخش‌های صنعتی برقرار کنند. نتیجه این وضعیت، پراکندگی در موضوعات پژوهشی، فقدان کاربردی‌سازی علم و ناتوانی در خلق فناوری است. در حالی‌که مدل‌های موفق دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم بر مأموریت‌محوری و حل مسئله تأکید دارند، دانشگاه‌های ما هنوز به تولید مقاله محدود مانده‌اند. ایجاد ساختارهای میانجی فعال، تعریف پروژه‌های تقاضامحور، و تشویق اساتید به انجام پژوهش‌های مسئله‌محور از جمله راهکارهای احیای این ارتباط است. در پیشینه‌ها نیز بر ضرورت هم‌راستایی دانشگاه و نیازهای جامعه (۲۳) تأکید شده است.

برونداهای علمی در دانشگاه‌ها عمدتاً در قالب مقالات ISI محدود شده‌اند، در حالی‌که امروزه تنوع در خروجی‌های علمی یکی از معیارهای نوآوری و کیفیت علمی به شمار می‌رود. ثبت اختراع، کتاب‌های مشترک، تولید نرم‌افزار، محصولات فناورانه و مشارکت‌های بین‌رشته‌ای، می‌توانند به ارتقاء اثربخشی علم کمک کنند. ساختار ارزیابی فعلی که بر کمیّت تمرکز دارد، مانع از این نوآوری شده و باعث تکرار در تولید محتوای علمی شده است. حرکت به سوی دانشگاه نسل چهارم مستلزم اصلاح این ساختار ارزیابی، تعریف شاخص‌های جدید برای خروجی‌های نوآورانه و ایجاد فرهنگ باز برای تنوع علمی است. این تغییر نگرش در ارتقاء، رتبه‌بندی و اعتبارسنجی دانشگاه‌ها باید نهادینه شود تا مسیر رشد واقعی هموار شود.

در نهایت، نقش اعضای هیئت علمی به‌عنوان پیشران اصلی نظام علمی کشور، تعیین‌کننده‌ترین عامل در ارتقاء رتبه دانشگاه‌هاست. عملکرد، نگرش، تعهد حرفه‌ای، و اخلاق علمی این افراد مستقیماً بر کیفیت و اعتبار دانشگاه تأثیر می‌گذارد. اگرچه ساختارها نقش مهمی دارند، اما بدون هویت علمی و مسئولیت‌پذیری فردی، دانشگاه‌ها به موفقیت نخواهند رسید. کم‌توجهی به هدایت‌گری، رقابت‌گرایی صرف، و تولیدات کمی، سبب شده که تجربه و هویت حرفه‌ای اساتید فرسوده شود. درحالی‌که نظام‌های موفق علمی بر انتقال تجربه، آموزش مبتنی بر الگو و اخلاق علمی تأکید دارند، در ایران این حوزه مغفول



مانده است. بازتعریف جایگاه معلمی، طراحی برنامه‌های اخلاق حرفه‌ای و حمایت از تیم‌های بین‌نسلی، از راهکارهای اساسی برای بازسازی نقش علمی اساتید است. پیشینه‌ها نیز بر اهمیت نقش اساتید به‌عنوان بازیگران اصلی نظام تولید علم (۲۶) تأکید داشته‌اند. بررسی راهکارهای ارتقای رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه خوارزمی نشان داد که این هدف نیازمند اصلاحات هم‌زمان در سه سطح کلان، نهادی و فردی است. در سطح کلان، تمرکزگرایی سیاست‌گذاری، عدم استقلال دانشگاهی، و ناکارآمدی فرآیندهای جذب و ارتقاء، مهم‌ترین موانع ساختاری‌اند که مانع پویایی علمی می‌شوند. در سطح نهادی، ضعف در راهبری پژوهش، کمبود زیرساخت‌های فناورانه، نبود سیاست‌های مؤثر در حوزه نمایه‌سازی نشریات و ضعف تعامل با صنعت، چالش‌هایی هستند که عملکرد پژوهشی و اثرگذاری اجتماعی دانشگاه را تضعیف کرده‌اند. در سطح فردی نیز، نقش اعضای هیئت علمی در اخلاق حرفه‌ای، شبکه‌سازی علمی، و تنوع‌بخشی به بروندهای علمی کلیدی است؛ اما نبود انگیزه، ارزیابی‌های کمی‌گرا و ساختارهای ناکارآمد انگیزشی، مانعی در مسیر ایفای این نقش بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که ارتقای رتبه بین‌المللی تنها با اصلاحات ظاهری در شاخص‌ها میسر نیست، بلکه مستلزم تحول در ساختارهای حکمرانی، بازتعریف مأموریت دانشگاه، و ارتقاء جایگاه استاد به‌عنوان بازیگر اصلی نظام علم است. به‌ویژه، طراحی سازوکارهایی برای پیوند میان دانشگاه و صنعت، ایجاد نظام جذب و ارتقاء مبتنی بر کیفیت و اخلاق علمی، و تقویت سیاست‌های بین‌المللی‌سازی، از مهم‌ترین محورهای تحول‌ساز به شمار می‌روند.

براساس یافته‌های این پژوهش، مسیرهای متعددی برای تحقیقات آینده قابل ترسیم است. از جمله می‌توان به بررسی تطبیقی ساختار حکمرانی دانشگاه‌های ایران با نمونه‌های موفق جهانی، تحلیل سیاست‌های نشر و نمایه‌سازی مجلات علمی، مطالعه نظام‌های انگیزشی و ارتقاء اعضای هیئت علمی با تمرکز بر کیفیت و نوآوری، و واکاوی شبکه تعاملات علمی بین‌المللی اشاره کرد. همچنین طراحی چارچوب‌های ارزیابی متنوع برای بروندهای علمی فراتر از مقاله‌محوری، می‌تواند به غنای ادبیات موجود و ارتقاء جایگاه دانشگاه‌های ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی کمک کند.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش، مسائل اخلاقی پژوهش در پژوهش‌های کیفی به صورت کامل رعایت شده است.

**تضاد منافع:** نویسندگان تصریح می‌نمایند هیچ‌گونه تضاد منافی در خصوص پژوهش وجود ندارد و اجرا و گزارش یافته‌ها به صورت مستقل توسط نویسندگان انجام شده است.

## تقدیر و تشکر

این پژوهش حاصل طرح تحقیقاتی با شماره قرارداد ۳۰۴۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ است که در دانشگاه خوارزمی انجام گرفته است. بدین‌وسیله نویسندگان نویسندگان از اعضای هیئت علمی دانشگاه خوارزمی شرکت‌کننده در مصاحبه‌های قدرانی می‌کنند. همچنین از دانشگاه خوارزمی به دلیل حمایت از این طرح، سپاسگزاری می‌کنند.

## References

1. Moshtari M, Delbakhsh S, Ghorbani M. Challenges and policies for promoting internationalization- The case of Iranian public universities. *Higher Education Quarterly*. 2023; 77(4): 585-601.
2. Leydesdorff L, Etzkowitz H. The transformation of university-industry-government relations. *Electronic Journal of Sociology*. 2001; 5(4).
3. Etzkowitz H, Leydesdorff L. The dynamics of innovation: from National Systems and “Mode 2” to a Triple Helix of university–industry–government relations. *Research Policy*. 2000; 29(2): 109-23.
4. Ezel C. Recruiting educational tourists from Countries under international sanctions: The Case of Iranian Education Market. In: *Global perspectives on recruiting international students*. Emerald Publishing Limited, 2021; pp. 111-24.
5. Davarpanah SH, Hoveida R, Barnett R, Javdani H, Jamshidian A. Ritualism as a Form of Academic Malfunctioning: Iranian Higher Education as a Case Study. *Journal of Higher Education Policy and Leadership Studies*. 2021; 2(3): 30-56.
6. Nazarzadeh Zare M, Pourkarimi J, Rezaeian S. Barriers and challenges to international interactions of the faculty members in Iran. *International Journal of Educational Management*. 2018; 32(4): 652-68.
7. Guo C, Hao X, Wu J, Hu T. The effect of national higher education initiatives on university rankings. *Humanities and Social Sciences Communications*. 2023; 10(1): 1-9.
8. Mok KH, Chan Y. International benchmarking with the best universities: Policy and practice in mainland China and Taiwan. *Higher Education Policy*. 2008; 21: 469-86.
9. Anowar F, Helal MA, Afroj S, Sultana S, Sarker F, Mamun KA. A Critical Review on World University Ranking in Terms of Top Four Ranking Systems. In: Elleithy K, Sobh T (eds). *New Trends in Networking, Computing, E-learning, Systems Sciences, and Engineering*. Lecture Notes in Electrical Engineering, Vol 312. Springer, Cham, 2015; p. 559-66.
10. Yaghtin M. The Criteria and Indicators Affecting the Divergence Between the Iranian National Ranking System and Global University Ranking Systems. *Scientometrics Research Journal*. 2024; 9(2): 1-22. Available at: [https://rsci.shahed.ac.ir/article\\_4072.html](https://rsci.shahed.ac.ir/article_4072.html) [In Persian]
11. Hazelkorn E. The effect of rankings on student choice and institutional selection. In: *Access and expansion post-massification*. 1st Edition. Routledge, 2015. pp. 107-28.
12. Altbach PG, Salmi J, editors. *The road to academic excellence: The making of world-class research universities*. World Bank Publications; 2011.
13. Nonaka I, Takeuchi H. *The Knowledge Creating*. New York, 304 [Internet]. 1995.
14. Drucker P, Maciariello J. *Innovation and entrepreneurship*. Routledge; 2014.
15. Shin JC, Toutkoushian RK. The past, present, and future of university rankings. In: *University Rankings*. Shin J, Toutkoushian R, Teichler U. (eds). Vol 3. Springer, Dordrecht. 2011; pp. 1-16.
16. Ghaed-Sharafi H, Ramazan Pour Nargesi G. New Functions of Universities in Connection with Knowledge, Innovation and Economic Development. *Popularization of Science*. 2020; 11(1): 174-99. Available at: [https://www.popscijournal.ir/article\\_125151.html](https://www.popscijournal.ir/article_125151.html) [In Persian]
17. Zare Ahmadabadi H, Mansouri H, Taheri Demneh M. Investigating the obstacles to conducting research in universities and research centers of the country using the fuzzy TOPSIS technique from the perspective of faculty members of Yazd University. *Iranian Journal of the Knowledge Studies in the Islamic University*. 2009; 13(4): 113-133. [In Persian]

18. Jamalpour R. The challenges of science production as an introduction to the realization of the software movement to achieve sustainable development, Proceedings of the First International Congress of the Science Production Movement, Software Movement and Freethinking. Tehran: Islamic Azad University, 2005; pp. 208-41. [In Persian]
19. Norouzi A, Abolghasemi M, Gahramani M. Science creating strategy based on organizational structures and management style for high educations centers. *Journal of Strategic Management Studies*. 2013; 3(12): 123-43. Available at: [https://www.smsjournal.ir/article\\_88831.html](https://www.smsjournal.ir/article_88831.html) [In Persian]
20. Aghaei Hashjin A, Baradaran H, Nemati A, Farrokhi M, Farrokhi P. Challenges and solutions to improve the quality of medical education to enhance the international ranking of Iranian Universities of medical sciences: A qualitative study. *Educ Strategy Med Sci*. 2024; 17(5): 66-80. Available at: <https://edcbmj.ir/article-1-3258-en.html> [In Persian]
21. Gheitasi S, Ghaderi M, Bolandhematan K. Investigating the Viewpoints of Kurdistan University Professors on the Ranking System of Iranian Universities. *Higher Education Letter*. 2021; 14(53): 1-26. [In Persian]
22. Rherrad I. Effect of entrepreneurial behaviour on researchers' knowledge production: Evidence from Canadian Universities. *Higher Education Quarterly*. 2009; 63(2): 160-76.
23. Manjarrés-Henríquez L, Gutiérrez-Gracia A, Carrión-García A, Vega-Jurado J. The effects of university–industry relationships and academic research on scientific performance: Synergy or substitution? *Research in Higher Education*. 2009; 50: 795-811.
24. Marginson S. Global university rankings: Implications in general and for Australia. *Journal of Higher Education Policy and Management*. 2008; 29(2): 131-42.
25. Henneberg M, Rühli F. Challenge to universites ranking–how to improve subjective reputation scores. *Research Square*. 2023; 1-9.
26. Rezaadost K, Navah A, Adibzadeh E. Study on normative and organizational effective factors on level of scientific production of faculty members. Study case: Shaid Chamran University faculty members. *Journal of Studies in Library and Information Science*. 2017; 9(2): 23-42. Available at: [https://slis.scu.ac.ir/article\\_12655.html?lang=en](https://slis.scu.ac.ir/article_12655.html?lang=en) [In Persian]